



سلسلہ اشعارات انجمن امارتی
یادگار جشن ہزارہ ابو علی سینا

« ۲۱ »

نظریات

منوب بہ

شیخ رئیس ابو علی سینا

بامفتتہ و حواشی تصحیح

دکتر علاء حسین صدیقی

استاد دانشگاہ

φ
d. 14

;

Λ915A C 44

b' 01

مقدمه مصحح

ظفر نامه نامی است که در عصر اسلامی به مجموعه‌ای فارسی از سخنان منسوب به بزرگمهر حکیم داده‌اند. کیفیت تدوین اصل آن سخنان معلوم نیست و متن فارسی موجود بموجب روایتی نسبتاً متأخر از ترجمه متن پهلوی سخنان آن حکیم پدید آمده‌است و ناقل آن از زبان پهلوی به فارسی بر حسب همان روایت که معتبر و معتمد نمی‌نماید ابن سیناست.

- نام کتاب -

نام مجموعه اندرز های مذکور در بعضی از نسخه ها چنانکه گذشت ظفر نامه ضبط شده لکن بتحقیق معلوم نیست که در دوره اسلامی از چند تاریخ این نام که ترکیبی عربی و فارسی است باین مجموعه تعلق گرفته و نام اصلی آن بدرستی چه بوده است.

احتمال آنکه نام اصلی کتاب در پهلوی « پیروزی نامک » بوده و به ظفر نامه ترجمه شده باشد مؤیدی ندارد^(۱) و مقبول نتواند بود.

نگارنده احتمال میدهد که کلمه «ظفر» تحریف خرد باشد که از

۱ - پیروز نامه نیز که در مجمل التواریخ و الفصص (ص ۶۶ و ۷۰ و ۷۹ و ۸۰ نیز رش : هزاره فردوسی ص ۵۱ ج ۷) نامش آمده و از مأخذهای آن کتاب بشمار می‌آید و ممکن است کتابی قدیم بوده باشد در تاریخ بوده است و موضوعاً با ظفر نامه منظور فرق دارد ، بعلاوه ترجمه پیروز نامه مظفر نامه میشود نه ظفر نامه .

قراءت نادرست آن لفظ بوجود آمده و قرینه بر صحت این امر وجود قسمتهائی از متن ظفر نامه در مجموعه خرد نامه است که از خوشبختی در نسخدهای نسبتاً قدیم باقی مانده است. توضیح آنکه شاید کاتبی چند قطعه از يك قسمت خرد نامه را استنساخ کرده و نام اصل را بمنتهی یا فرع نهاده و خواننده‌های «خرد» را بخطای ناشی از شیوه تحریر یابدی خط «ظفر» خوانده باشد و کاتبان بعد عموماً بی‌خبر از نام صحیح کتاب عنوان ظفر نامه را ضبط کرده باشند^(۱) بهر حال در بعضی از نسخه‌ها رساله منظور بی نام است و تا آنجا که بنظر نگارنده رسیده عنوان مذکور اول بار در نسخه کتابخانه مراد مالا (ح) که بین سالهای ۷۴۴ تا ۷۵۴ نوشته شده آمده است.

در نسخه خرد نامه^(۲) و نسخه عکسی^(۳) (ع) و نسخه‌های خطی تاریخ‌گزیده (گ و ت و ص) و نسخه آثار الوزراء سیف‌الدین حاجی عقیلی (س) که اصلاً همان روایت تاریخ‌گزیده را ضبط کرده و نسخه

۱ - البته این امر بر اهل اطلاع معلوم است که کلمه «ظفر» و ترکیب «نامه ظفر» در ادب فارسی قبل از ایلغار تاتارها بسیار معمول بوده و حتی پیش از کلمه پیروزی و فیروزی بکار برفته است، رش: لغت نامه دهخدا، حرف ظ ص ۱۲ س ۳.

۲ - خردنامه شاید اولین مجموعه فارسی اندرز نامه‌های ظاهراً پیش (بصورت ترجمه) و هم پس از اسلام باشد که از دستبرد حوادث مصون مانده و بما رسیده است. اما ظفر نامه گویا اصلاً جزوی از خردنامه بوده است. خردنامه را که بعد از برقراری و چاپ متن حاضر بنظر راقم این سطور رسید نگارنده از محل هدیه استاد محترم دوست بزرگوار آقای دکتر یحیی مهدوی بدانشگاه تهران بچاپ رسانیده و امید دارد که قریباً منتشر کند.

۳ - راجع به خصوصیات نسخه‌ها رجوع بصفحه‌های بعد همین مقدمه

مقدمهٔ مصحح

منقول در مجلهٔ ارمغان از جنگ کهنه (ج) ، نام ظفر نامه دیده نمی‌شود ولی در نسخهٔ شفر (ش) و نسخهٔ موجود در مجموعهٔ کتابهای اهدائی آقای مشکوة بدانشگاه تهران (م) و در نسخهٔ کتابخانهٔ ملی پاریس (۱۲۵)^(۱) و نسخهٔ جنگ خانوادگی آقای دبیر سیاقی^(۲) (د) و بتقریب جمیع نسخه‌های متأخر و جدید عنوان ظفر نامه ثبت شده است.

ظفر نامه‌ها

نام ظفر نامه که بکتابهای مختلف داده شده در مورد های ذیل بنظر نگارنده رسیده است:

۱- ظفر نامهٔ مورد نظر .

۲- ظفر نامهٔ فارسی منظوم بی‌حرمتقارب از حمدالله بن احمد پسر ابوبکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی^(۳) (متوفی بسال ۷۵۰هـ) که در

۱- در این نسخه که بعد از برقراری و چاپ متن حاضر بنظر نگارنده رسید عنوان «ظفر نامهٔ نوشیروان عادل» ثبت شده است .

۲- در مقدمهٔ این نسخه کلمهٔ ظفر که شاید با عنوان ظفر نامه بی‌ارتباط نباشد در جملهٔ «بر همه اعدا ظفر یابند...» در خور توجه است در مقدمهٔ نسخهٔ خطی مورخ بسال ۱۳۲۶ هجری که متعلق با آقای مشکوة بوده و در نشریهٔ دانشنامهٔ کلیشه شده نیز چنین آمده است : «و چون آنرا بکار دارم بر همه چیز ظفر و پیشرفت یابم...» با مطالعهٔ مقدمه‌هایی که در نسخه‌های ظفر نامه ضبط شده معلوم می‌شود که صورت اصلی آنها مورد دستکاری قرار گرفته است .

۳- رش : ادوارد برون، تاریخ ادبیات ایران، ترجمهٔ علی اصغر حکمت ج ۳ ص ۱۱۷ و بعد؛ تقی زاده گاه شماری ص ۲۹۶ ؛ حاجی خلیفه ج ۲ ص ۱۱۲۰ ؛ دکتر صفا ، حماسه‌سرایی در ایران ص ۳۳۷ ؛ سعید نفیسی ، احوال و اشعار رودکی... ج ۳ ص ۱۱۲۴ و بعد ؛ بهار، سبک شناسی ج ۳ ص ۵ ح ۱ ؛ ریو ، ذیل فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه بریتانیا ص ۱۷۳ - ۱۷۴ .

۷۵۰۰۰ بیت در تاریخ، از ظهور اسلام تا عصر مؤلف، در سه کتاب^(۱) بسال ۷۳۵ هجری تألیف شده است .

۳- ظفر نامه صاحبقرانی مولانا نظام‌الدین هروی شامی یاشنبی یاشنب غازانی، قدیمترین تاریخ زندگانی و سلطنت امیر تیمور و جنگها و فتحهای او^(۲) تا اوایل رمضان ۸۰۶ هـ که ذیل آنرا عبدالله بن لطف‌الله بن عبدالرشید معروف به حافظ ابرو در سال ۸۱۴ هـ در عصر میرزا شاهرخ و فرمان او در قلم آورده است .

۴- ظفر نامه تیموری از تألیفات مولانا شرف‌الدین علی یزدی (متوفی بسال ۸۵۸ هـ^(۳)) که بسال ۸۲۸ هجری پایان پذیرفته حاوی

۱- کتاب نخستین زکار عرب ... کتاب دوم شرح حال عجم ... کتاب سوم آمده از مغل ...

۲- رش : حاجی خلیفه ج ۱ ص ۲۸۹ ؛ استوری ادبیات فارسی بخش دوم مقدمه ص ۳۶ ؛ بلوشه ، جای مذکور شماره ۲۲۸۴ ؛ بهار ، سبک‌شناسی ج ۱ ص ۱۷۰ و ج ۳ ص ۱۸۵ و ۱۹۲ ؛ لوسین بووا ، تمدن تیموری (بفرانسه) ص ۲۲۵ ؛ برون ، تاریخ ادبیات ایران ج ۳ (از سعدی تا جامی) ترجمه علی اصغر حکمت ص ۲۰۴ ؛ انه ، تاریخ ادبیات فارسی ص ۲۸۱ ج ۲ و ۲۸۷ و ۳۰۲ ؛ ذیل جامع التواریخ تألیف حافظ ابرو با مقدمه و حواشی و تعلیقات دکتر خانابابا بیانی ، تهران ۱۳۱۷ هـ ش . ص زو ط - ع . تاریخ ظفر نامه نظام‌الدین شامی (جلد اول) بهمت فلیکس تاور با اصلاحات و اضافاتی که در زبده التواریخ بایسنقری از مصنفات عبدالله بن عبدالرشید مدعو به حافظ ابرو یافته میشود ، از طرف مؤسسه شرقیه چکوسلاواکی در پراگ به سرمایه مؤسسات اشکودا در مطبعه امریکائی بیروت بسال ۱۹۳۷ م در ۲۹۵ ص بیچاپ رسیده است .

۳- حاجی خلیفه (ج ۱ ص ۲۹۰) ظاهراً بخط وفات او را در ۸۵۰ ضبط کرده است .

مقدمه مصحح

حوادث زندگانی امیر تیمور^(۱) به پیروی از ظفر نامه نظام الدین شامی و بدستور و ظاهرأ با املائی ابوالفتح میرزا ابراهیم سلطان بن شاهرخ ابن تیمور (۷۹۶-۸۳۸ هـ) در شیراز با افتتاح یا مقدمه‌های که تاریخ جهانگیر هم نامیده شده و در سال ۸۲۲ نگارش یافته است.

۵ - ظفر نامه فارسی منظوم یا ظفر نامه تیموری یا تیمور نامه (یا باقتضای وزن شعر تمر نامه) یا اسکندر نامه تیموری از عبدالله هاتفی (متوفی بسال ۹۲۷ هـ) خواهرزاده جامی^(۲) در وقایع سلطنت و شرح

۱ - رش : مطلع سعدین و مجمع بحرین ۵۵۴-۵۶۲ (از مقدمه ظفر نامه برمی آید که شاهزاده ابراهیم سلطان خود سهم مهمی در نقل مطالب کتاب داشته است) ؛ حاجی خلیفه ج ۱ ص ۲۸۹ و ج ۲ ص ۱۲۲۰ ؛ صدیقی، گزارش سفر هند ص ۳۲ (نسخه‌ای از ظفر نامه که در سال ۸۵۰ در حیات مؤلف نوشته شده است) ؛ تقی زاده ، گاه شماری ص ۱۶۲ ح و ص ۲۹۷ ؛ بهار ، سبک شناسی ج ۱ ص ۱۷۰ و ۲۸۷ و ج ۳ ص ۱۰۰ و ۱۹۴ - ۱۹۶ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۵ و ۲۵۹ ؛ دولت شاه سمرقندی ، تذکرة الشعراء (چاپ لاهور ۱۹۳۹ م) ص ۲۵۹ - ۲۶۱ ؛ انه ، تاریخ ادبیات فارسی ص ۶۲ و ۲۵۵ و ۲۸۷ - ۲۸۸ ؛ فهرست نسخه های خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس بقلم ادگار بلوشه (بفرانسه) شماره ۴۵۵ تا ۴۶۳ و ۲۳۱۴ تا ۲۳۱۶ و ۲۳۲۰ ؛ لوسین بووا ، تمدن تیموری (بفرانسه) ص ۲۲۵ و ج ؛ ظفر نامه از تألیفات مولانا شرف الدین علی یزدی بتصحیح و تحشیه مولوی محمد الهداد ، چاپ کلکته «بدستور اشیاتک سوسایتی بنگاله» ۱۳۰۶ هـ ق = ۸ - ۱۸۸۷ م ج ۲ ، ترجمه ظفر نامه علی یزدی بترکی از محمد بن احمد عجمی ، رش : حاجی خلیفه ، جای مذکور و ج ۱ ص ۲۹۰ ؛ پتی دولا کروا آنرا در سال ۱۷۲۲ م . بزبان فرانسه ترجمه کرده و داربی آنرا بسال ۱۷۲۳ م از فرانسه بانگلیسی برگردانده است . نیز رش : محمد قزوینی ، مقاله ای تاریخی و انتقادی ص ۴۰ حاشیه عباس اقبال .

۲ - رش : حاجی خلیفه (طبع استانبول ۱۹۴۳ م) ج ۱ ص ۲۹۰ و ج ۲ ص ۱۱۲۰ ؛ ادگار بلوشه ، فهرست نسخه های خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس (بفرانسه) و نیز رش : تیمور نامه در فهرست مذکور ؛ ریو ، فهرست نسخه های خطی فارسی موزه بریتانیا ص ۶۵۳ ؛ هرمان انه ، تاریخ ادبیات فارسی (ترجمه دکتر رضا زاده شفق) ص ۶۲ و ۶۷ ؛ نسخه چاپی آن : نول کشور ، لکهنوسنگی ۱۸۶۹ م .

مقدمه مصحح

فتحهای امیر تیمور با بهره‌یابی از ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی و پیروی از اسکندرنامه نظامی .

۶ - ظفرنامه منظوم (نا تمام) شاه‌جهانی یا شاه‌جهان‌نامه یا پادشاه‌نامه در سرگذشت نیاکان و شرح حکومت شاه‌جهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ هـ) پسر نورالدین محمد جهانگیر پادشاه تیموری هند از حاجی محمد جان مشهدی متخلص به قدسی (متوفی بسال ۱۰۵۶ هـ) این منظومه بعلمت مرگ قدسی نا تمام ماند (۱).

۷ - ظفرنامه منظوم نادری بزبان ترکی تألیف جمال‌الدین محمد بن عبدالغنی متخلص بنادری (متوفی در ۱۰۳۶ هـ) در فتحهای یکی از سلاطین عثمانی (۲).

۸ - ظفرنامه منظوم عالمگیری در حوادث پنج‌سال اول پادشاهی اورنگ‌زیب (متوفی بسال ۱۱۱۸ هـ) (۳).

۹ - ظفرنامه منظوم اکبری در باب فتوح اکبرخان پسر دوست

۱ - رش : اته ، تاریخ ادبیات فارسی ص ۶۴ ؛ فهرست کتب خطی فارسی کتابخانه بهار (ج ۱) ؛ فهرست کتب خطی کتابخانه بنگاله (ج ۱) ؛ ریو ، فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه بریتانیا ص ۶۸۵ و ۶۸۶ و ۶۸۷ و ۱۰۰۱ ب و ۱۰۴۸ ب و ذیل آن ص ۲۰۵ ؛ تذکره میخانه تألیف ملا عبدالنسی قزوینی (چاپ لاهور ۱۹۲۶ م) تصحیح محمد شفیع ؛ ایرج افشار ، ظفرنامه‌ها (مجله یغما سال ۶ ش ۹ ص ۳۵۹) .

۲ - رش : ایضاح المکتون فی الذیل علی کشف الظنون ج ۲ ص ۹۰ .

۳ - نسخه‌هایی از این منظومه در کمبریج (ادوارد براون ، فهرست نسخه‌های خطی اسلامی کمبریج ۱۹۰۰ م) و موزه بریتانیا (ریو، فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه بریتانیا ص ۲۶۵ و ۷۹۲ و ۹۰۵ و ۹۳۶ و...) محفوظ است، رش: ایرج افشار، جای‌مذکور ص ۳۵۹

مقدمه مصحح

محمد خان افغانی در تسخیر کابل اثر طبع قاسم (متوفی بسال ۱۲۶۰ هـ). (۱)

۱۰ - ظفر نامه منظوم کابل از غلام محیی الدین در وقایع

کابل و جنگها و فتحهای احمد شاه در آنی و آن در سال ۱۲۶۰ هجری
بنظم در آمده است. (۲)

۱۱ - ظفر نامه رنجیت سنگه یا رنجیت نامه (۳) در شرح زندگانی

رنجیت سنگه. (۴)

۱۲ - ظفر نامه منظوم بهر تپور از مولوی فضل اعظم در وقایع

بهر تپور از سر زمین هند و فتح آنجا بدست لرد لیک (۵). کتاب منظور به
نثر هم نگارش یافته است. (۶)

۱۳ - ظفر نامه منظوم گو بند سنگه (۷) در فتحهای او. (۸)

۱۴ - ظفر نامه ناصری یا نصرت نامه منظوم از میرزا عباسعلی

صفا. (۹)

۱ - اته : تاریخ ادبیات فارسی ص ۶۷ .

۲ - ریو : جای مذکور ص ۱۰۳۸ ؛ س. م. عبدالله ، فهرست نسخه های

خطی دانشگاه پنجاب ، لاهور ۱۹۴۲ م ؛ ایرج افشار ، جای مذکور ص ۳۶۰ .

۳ - در لاهور بسال ۱۸۷۶ م و در دانشگاه پنجاب بسال ۱۹۲۷ چاپ

شده است ، رش : ایرج افشار ، جای مذکور ص ۳۶۰ .

۴ - Ranjit Singh

۵ - Lord Lake

۶ - بسال ۱۸۷۱ در لاهور بطبع رسیده است ، رش : ایرج افشار ، جای

مذکور ص ۳۶۰ .

۷ - Göbind Singh

۸ - رش : ایرج افشار ، جای مذکور .

۹ - طهران ۱۲۷۵ هـ ق سنگی ، رفعی ، مصور ، ۱۵۷ ص .

مصنف ظفر نامه یا صاحب اصلی سخنان آن

در هیچ يك از مدرکهای فارسی و عربی پیش از ایلغار مغول تا آنجا که راقم این سطور اطلاع دارد ذکری از ظفر نامه و تعلق آن به بزرگمهر نیست و در مقدمه نسخه‌های ظفر نامه نیز در باره صاحب سخنان آن روایتهای مختلف آمده است :

در بعضی از آنها پرسشها از انوشروان است و پاسخها از بزرگمهر^(۱) (خردنامه) .

در بعضی پرسشها از بزرگمهر است و پاسخها از استادش (!) ارسطاطالیس (نسخه دیوان هند = ایندیا آفیس) ۲۱۷۳ (۲) و (۱۶۱۰) .

در بعض دیگر پرسشها از بزرگمهر است و پاسخها از استاد (؟) (نسخه مطبوع در تاریخ‌گزیده و نسخه کتابخانه مرادمال) .

در بعض دیگر پرسشگر نامعلوم و پاسخگو بزرگمهر است (نسخه کتابخانه موزه بریتانیا بنشان Or. ۷۸۶۳^(۲) و نسخه چاپ شده در مجله ارمغان) .

در نسخه خردنامه^(۳) چنین آمده است : گفتار اندر سؤالهای انوشروان عادل از بزرگمهر حکیم .

«انوشروان عادل بزرگمهر حکیم را گفت یا حکیم باید که ما را

۱ - راجع به خسرو انوشروان و بزرگمهر و فواید و فصولی که از آنان در بعضی تألیفات و نوشته‌ها منقول است در حواشی و توضیحات خردنامه بحث خواهیم کرد .

۲ - از این نسخه فقط در این مقدمه استفاده شده است .

۳ - که در سلخ ربیع الاول سنه ۵۹۴ یا ۵۷۴ (کلمه تسعین را در اینجا از نسخه خردنامه سبعین نیز می توان خواند) پایان یافته و از آن فقط در این مقدمه بهره‌یابی شده است .

خبردهی و آگاه‌کنی از مسأله‌هایی که ما را مشکل افتاده است و جواب‌دهی بنیکوترین وجهی تا ما را معلوم گردد و شك از دل ما بر خیزد بزرجمهر گفت ایها الملک پیرس از آنچه ترا مشکل است ^(۱).

و این روایت قدیمترین و طبیعی‌ترین روایتها در نسخه‌های موجود است و با آنچه در «پندنامک و زرگ‌میتز» که «بفرمان خسرو شاهنشاه ایران» ^(۲) نوشته شده و نظام ترجمه گونه آن در شاهنامه فردوسی (هر چند ظفر نامه و پندنامک باهم بستگی ندارند) آمده نیز بیشتر موافقت دارد ^(۳).

در تاریخ‌گزیده حمدالله مستوفی آنجا که مؤلف متن رساله منظور را آورده آمده است :

«بزرجمهر وزیر نوشروان عادل بود و مردی نژاد [ظ. نژاده] از سخنان اوست پنج چیز بقضا و قدر است ^(۴) . . . بزرجمهر گفت از استاد پرسیدم از خدای تعالی چه چیز خواهم تا همه چیز خواستد باشم گفت...»
در مقدمه نسخه کتابخانه مراد ملا ^(ح) آمده است :

«چنین گویند که در روزگار نوشروان عادل هیچ چیز عزیز تر از

۱ - رش : خردنامه چاپ نگارنده ص ۱۸ .

۲ - رش : مجله مهر سال اول ش ۱۰ ص ۷۸۹ .

۳ - روشن است که غرض نگارنده از ذکر قدیمترین و طبیعی‌ترین روایتها « بهیچوجه بیان اصالت و حکم بساحت روایت منظور نیست چه اساساً قول انتساب مجموعه اندرزهای معروف بظفر نامه را بزرجمهر استوار نمیدانند غرض ملاحظه این امر است که هر چند این روایت از حیث تاریخی صحیح نمی‌نماید از حیث منطقی نسبت بروایت‌های دیگر بیشتر در خور قبول است .

۴ - این سخنان در سایر نسخه‌های ظفر نامه نیست و ظاهراً از آن کتاب نباشد و پس از آن جملات «بزرجمهر گفت...» آمده است .

حکمت نبود و هیچ جنس مردم بزرگوارتر از اهل حکمت نبودند و هیچ هدید پیش او نبردندی شریفتر از حکمت گویند روزی بزرگمهر ودانایان پیش او رفتند نوشروان ایشان را گفت خواهم که کتابی جمع کنم سخت نیکو و لطیف بلفظ کوتاه و بمعنی تمام و خواندن آسان چندانک مرا بدین جهان و بدان جهان بکار آید و ما را یادگار ماند بزرگمهر یکسال روزگار بُرد و آن کتاب تألیف کرد و ظفر نامه نام نهاد و پیش نوشروان بُرد نوشروان زیادت شهری بدو بخشید و فرمود تا بزرگمهر و بخزانه فرستاد بزرگمهر گفت من آن مثالها (۱) از استاد خویش می پرسیدم بروزگار و او جواب همی داد آغاز مسائل گفتم از خدای عزوجل چند [ظ. چه] چیز خواهم که همه نیکی خواسته باشم گفت ...»

در نسخه کتابخانه موزه بریتانیا (مجموعه بنشان ۷۸۶۳ Or.) که تاریخ تحریر آن ظاهرأ ۷۶۱ هجری است (۲) چنین آمده است :
 «... آورده اند که در زمان نوشروان عادل هیچ چیز عزیزتر از حکمت نبود و هیچ جنس مردم بزرگتر از حکیمان نبودند و [نوشروان] همواره در طلب حکمت بوزی و هر تحفه و هدیه که بخدمت وی بردندی حکمت از همه دوستر داشتی روزی بزرگمهر را که استاذ (۳) و وزیر وی بود فرمود که خواهم که کتابی جمع کنی بغایت خوب و پسندیده بلفظ کوتاه و بخواندن آسان و بمعانی فراوان چنانک منفعت آن بدین

۱ - چنین است در اصل ، ظاهرأ «مسألهارا» صواب باشد .

۲ - رش : کتاب تحفة الملوك باهتمام «کتابخانه» تهران ۱۳۱۷ هـ .ش
 مقدمه (ظاهرأ بقلم علامه تقی زاده) ص و - ح

۳ - نگارنده روایت نسبت استادی و شاگردی بزرگمهر و نوشروان را در مأخذهای قدیم ندیده است .

جهان و بدان جهان ظاهر کرد چون بدان عمل کنم بر نیکوییها ظفر
یا بم و جمهور رعایا در رفاهیت باشند و جهان معمور شود و پس از ما
آثار عدل ما در جهان یازگار ماند و مهتران و کهتران را فایده ها دهان
[چنین!] او بر حکم اشارت این کتاب را بساخت و نامش را ظفر نامه نهاد
و بخدمت نوشروان عرضه کرد بغایت پسندیده افتاد شهری بوی
بخشید و بفرمود تا بزر بنوشتند هر روز يك بار بخواندی و بدان کار
کردی بزر جمهر میگوید این سؤالات را جواب می گفتیم و بعد از
آن جمع کردیم و عرضه داشتیم گفت پرسیدم که از حق تعالی چه چیز
خواهم تا همه نیکوییها خواسته باشم گفتا ...»

در نسخه کتابخانه ملی پاریس (= شفر) بنشان ۱۴۱۵ متمم فارسی
(که تاریخ تحریر آن ۱۵ ذی القعدة ۸۸۱ هجری است) آمده است:
«... در روزگار انوشروان عادل هیچ (۱) چیز از حکمت عزیزتر
نبود و حکماء آن عصر همه متقی و پرهیزگار بودند. يك روز انوشروان
ابوزر جمهر را طلب کرد و گفت میخوام سخنی چند مفید در لفظ اندک
و معانی بسیار جمع سازی چنانکه در دینی [چنین! ظاهراً دینی] و عقبی
سودمند باشد ابوزر جمهر یکسال مهلت خواست و این چند کلمات را
جمع کرد و ظفر نامه نام نهاد و بنزد انوشیروان [چنین!] برد اورا
خوش آمد و شهری در اقطاع او بیفزود و فرمود که این کلمات با بزر نوشتند
و دائم با خود می داشت و اکثر اوقات بمطالعه این کتاب مواظبت می نمود.
«ابوزر جمهر زبان بگشاد و گفت از استاد خود استفادت می نمودم

۱ - مطالب منقول بر رسم الخط جدید مبدل شده است، رش: نمونه

سخن فارسی گرد آورده دکتر مهدی بیانی (نهران ۱۳۱۷ ش) ص ۲۰.

و او جواب می گفت (۱) گفتم ای استاد از خدا ... گفت ...»

در نسخه کتابخانه دیوان هند (= ایندیا آفیس) بنشان ۲۱۷۳ (۲) آمده است: ... بدانکه آورده اند که روزی نوشیروان عادل که خواجه بزرگمهر حکیم او بود (۳) [در نسخه ۱۶۱۰: ... عادل خواجه بزرگمهر را که وزیر بود] طلب کرد و فرمود که برای من کتابی پرداز بزرگ و خورد [چنین!] و آسان و مشکل چنانچه درین جهان کار آید و در آن جهان راه راست نماید و از بعد من یادگار بماند و عزیز دلها گردد خواجه بزرگمهر بر خاست و بر خواجه ارسطاطالیس (۴) رفت و گفت ای استاد امروز پادشاه مرا کار عظیم فرموده است که تجربه در من راه نیافت و عیش مرا منغص گردانیده است ارسطو گفت [کدام کار فرموده است] گفت کتابی فرموده است آسان و مشکل خورد [چنین!] و بزرگ الفاظ خوب و عبارت مرغوب چنانچه در هر دو جهان کار آید و راه راست نماید [ارسطالیس گفت] (۴) نیکو فرموده است چند سؤال بر صورت معما دینی [چنین! در نسخه ۱۶۱۰: معمای از سؤالها] باید پرداخت

۱- بر طبق این روایت معلوم میشود که بزرگمهر پس از سالی که برای گرد آوری این سخنان مهلت خواسته بود پرسشها و پاسخهای خود و استاد (۳) خود را جمع کرد و بنزد خسرو انوشروان برد.

۲- در نسخه ایندیا آفیس ۱۶۱۰ (رش: فهرست نسخه های فارسی کتابخانه دیوان هند - ایندیا آفیس - لندن) تألیف هرمان انه (اکسفر د ۱۹۰۳) و نسخه موزه بریتانیا بنشان ۸۹۹۴ نیز بتقریب همین روایت ثبت است. از نسخه های مذکور فقط در این مقدمه استفاده شده است.

۳- معلوم است که ارسطو و بزرگمهر همزمان نبوده اند و روایت رابطه استادی و شاگردی آنها بر اساسی نیست، نیز رش: ایرج افشار، ظفر نامه، نامه ماهانه یغما سال ۶ ش ۳۵۸ و ح ۲.

۴- چنین است در نسخه ایندیا آفیس ۱۶۱۰ (نقل از نسخه بخط آقای مینوی).

و آغاز مشکل نماید چون فهم شود آسان گردد و الفاظ نیک و بزرگ باشد [و در کاغذ خورد (چنین!) نوشته شود] (۱) فرمود که سؤال کن خواجه بزرگمهر سؤال می کرد و استاد جواب میداد چون هفته (۲) بگذشت مرتب کرد پیش ملک برد چون پادشاه مطالعه گردانید [چنین!] بسیار خوشحال شد و فرمود که این کتاب را با آب زرد بنویسند و نام این رساله ظفر نامه نهاده شد و هر روز مطالعه می کرد آغاز سؤال بزرگمهر پرسید که ای استاد اول از خدای ...»

در نسخه کتابخانه ملی پاریس مورخ بسال ۱۰۵۶ هـ فرمان تصنیف کتاب از انوشروان است و پرسشگر بزرگمهر و پاسخگو استاد او ارسطاطالیس بزرگمهر در هفت روز این کتاب را مرتب کرد و آنرا در پیش انوشروان برد (۳).

در نسخه جنگ خطی خانوادگی آقای محمد دبیرسیاقی :
 « بوزرجمهر یکسال مهلت طلبید و این کلمات را از استاد خود جمع کرد... بوزرجمهر گفت از استاد خود ارسطاطالیس حکیم پرسیدم که از خدا... گفت.»

در نسخه خطی مورخ بسال ۱۳۲۶ (پ) روایتی ضبط شده که با آنچه در بالا آورده شده مابینت دارد : « ابوزرجمهر یکسال مهلت خواست و این نصایح را جمع و فراهم آورد و انوشروان ... پیوسته با خویش داشت بفرصت ایام این نصایح متین را از آن حکیم خریدند می پرسید بطریق استفاده و او جوابهای باصواب میداد بدین گونه گفتم از خدای ...»

۱- رش : ذیل صفحه پیش ش ۴.

۲- در نسخه ایندیا آفیس ۱۶۱۰ «هفت روز».

۳- در این نسخه دستکاری بسیار شده است.

بنابر آنچه گذشت روایات منقول در بالا بیشتر پاسخ سؤالات ظفر نامه را از بزرگمهر میدانند. این امر نیز، اگر چه اتفاقی بنظر می آید، درخور ذکر است که برخی از پرسش‌ها و پاسخهای مذکور در ظفر نامه با سؤالاتها و جوابهای مضبوط در بز مهای هفت گانه خسرو انوشروان با بزرگمهر و مؤبدان که فردوسی در شاهنامه بنظم آورده مشابهت نزدیکی دارند و موارد ذیل از آنهاست:

ظفر نامه ص ۱-۲:

... گفتم از خدای چه خواهم که همه چیز خواسته باشم؟ گفت سه چیز:

تندرستی و توانگری و ایمنی .

شاهنامه (چاپ امیر بهادری) ج ۴ ص ۱۴:

دگر گفت^(۱) کای مرد روشن خرد

که سرت از بر چرخ می بگذرد

کدام است خوشتر مرا روزگار

ازین بر شده چرخ نا پایدار

چنین داد پاسخ سخنگوی باز

که هر کس که شد ایمن و بی نیاز

زمانه بخوبی ورا داد داد . . .

ظفر نامه ص ۷:

گفتم هیچ هنر بود که بهنگامی عیب گردد؟ گفت سخاوت با منت بود.

و در ص ۱۲:

۱ - در شعرهای مذکور همه جا پرسشگر خسرو انوشروانست و پاسخگو

بزرگمهر .

گفتم اندر جهان چه نیکوتر است؟ گفت تواضعی بی مذلت . . .
وسخاوتی نه از بهر مکافات .

و درص ۱۹ :

گفتم نیکوئی بچند چیز تمام شود؟ گفت بتواضع بی توقع و
بکرم و سخاوت بی منت و بخدمت بی طلب مکافات .

شاهنامه ج ۴ ص ۱۳ :

دگر گفت کز ما چه نیکو تر است

که بر دانش بخردان افسر است

چنین داد پاسخ که آهستگی

کریمی و رادی و شایستگی

فروتن کنند گردن خویش پست

ببخشد نه از بهر پاداش دست

ظفر نامه ص ۱۹ :

گفتم چند چیز است که ز ندگانی بدان آسان توان کرد؟ گفت سه چیز:
پرهیزکاری و بردباری و بی طمعی.

شاهنامه ج ۴ ص ۱۴ :

چه سازی که کمتر بود رنج تن

بپرسید دیگر که در زیستن

دلش بردبار است رامش برد

چنین داد پاسخ که گر باخورد

ببندد در کثرتی و کاستی

بداد و ستد در کنند راستی

نباشد سرش تند و نابردبار

ببخشد گنه چون شود کامکار (۱)

در مورد ذیل مفاد دو قول منسوب به بزرگمهر همسان نیست:

۱ - ظفر نامه ص ۷ :

گفتم چه چیز است که بر دلیری نشان بود؟ گفت عفو کردن در قدرت .

ظفر نامه ص ۴ :

گفتم کارها بکوشش است یا بقضا ؟ گفت کوشش قضا را سببست.

شاهنامه ج ۴ ص ۳ :

از ایشان یکی بود فرزانه تر
چنین داد پاسخ که جوینده مرد
بود راه و روزی برو تار و تنگ
یکی بیهنر خفته بر تخت بخت
چنین است رسم قضا و قدر
بپرسید از او از قضا و قدر
جوان و شب و روز در کار کرد
بجوی اندرون آب او باد رنگ
همی گل فشاند برو بر درخت
ز بخشش نیابی بکوشش گذر

اما در آنجا که فردوسی پندنامه بزرگمهر را بنظم آورده است (۱)
قول بزرگمهر در این باب با آنچه در ظفر نامه آمده سازگارتر است :

وزان پس پرسید کسری از او

که ای نامور مرد فرهنگجوی

بزرگی بکوشش بود یا ز بخت

که یابد جهاندار از او تاج و تخت

چنین داد پاسخ که بخت و هنر

چنانند چون جفت با یکدیگر

چنان چون تن و جان کد یارند و جفت

تنومند پیدا و جان در نهفت

همان کالبد مرد را کوشش است

اگر بخت بیدار در جوشش است

۱ - شاهنامه چاپ امیر بهادری ج ۴ ص ۲۸

بکشش بزرگی نیاید بجای

مگر بخت نیکش بود رهنمای

ترجمه فارسی این قسمت از پندنامه بزرگمهر چنین است :

« ۵۶ - چیزیکه بمردهمان رسد ببخت بود یابه کنش ؟ - بخشش و کنش بایکدیگر چنان اند که تن و جان ، چه تن بی جان کالبدی بیکار است و جان بی تن بادن اگر فتنی است ، و چون بایکدیگر آمیخته باشند نیرومند و سودمند باشند .

« ۵۷ - بخت و کنش چیست ؟ - بخت نیز کنش نهانی است که بمردهمان داده شده است . » (۱)

مترجم کتاب

در مآخذ هائی که بمارسیده اولین مآخذ که در آن ترجمه ظفر نامه از پهلوی به فارسی دری به شیخ رئیس ابوعلی سینا نسبت داده شده کتاب کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون مصطفی بن عبدالله معروف بحاجی خلیفه و بکاتب چلبی (۱۰۱۷-۱۰۶۷ هـ) است مؤلف مذکور در این باب گوید (۲) : « ظفر نامه - اسم اسئله انوشروان (ملك العجم المشهور) واجوبه بزرجمهر علی لغة الفهلوی دونها انوشروان ثم امر

۱ - ارتور کریستن سن ، داستان بزرجمهر حکیم ، ترجمه عبدالحسین میکده (رش : مجله مهر سال ۱ ش ۱۰ ص ۷۹۱) .

۲ - کشف الظنون (چاپ استانبول ۱۹۴۳ م) ج ۲ ص ۱۱۲۰ . آقای سعید نفیسی در حواشی قابوس نامه (ص ۲۳۵) نوشته اند : « رساله ای با اسم ظفر نامه شامل سؤالاتی که انوشروان از بزرگمهر وزیر خویش کرده و جوابهائی که وی بقیه در ذیل صفحه بعد

نوح بن منصور السامانی وزیر ابن سینا بنقله الی الفارسیة فنقله .» (۱)
 در این عبارت چند امر محل نظر است :

ترکیب عربی و فارسی ظفر نامه نمی تواند نام کتاب محتوی
 پرسشهای انوشروان و پاسخهای بزرگمهر بزبان پهلوی باشد و اگر
 سؤالات و جوابهای منظور واقعاً صورت گرفته و خسرو انوشروان
 بتدوین آن پرداخته یا فرمان داده نام آن مجموعه بی شک جز «ظفر»
 نامد بوده است .

ابوالقاسم نوح بن منصور سامانی ملقب به امیر منصور یا امیر
 رضی در یازدهم شوال ۳۶۵ هجری (و بقول ابن الاثیر در سال ۳۶۶
 هجری) در سن ۱۳ سالگی بیادشاهی رسید و در جمعه سیزدهم
 رجب سال ۳۸۷ هجری درگذشت و ابن سینا که هنگام مرگ او جوانی
 هفده (یا بتقریب هجده) ساله بود وزیر او نبود و در دولت سامانیان
 (که در ۳۸۹ هجری بسر آمد) منصب وزارت نیافت و مطابق مفاد رساله

داده است و ترجمه فارسی آن را بشیخ الرئیس ابوعلی سینا نسبت میدهند و در
 مقدمه آن مذکور است که از زبان پهلوی در زمان سلطنت نوح بن منصور
 (۳۶۶-۳۸۷) پادشاه سامانی ترجمه شده ... نظیر این نوشته در کتاب فلسفه
 اسلام (با آلمانی) تألیف ماکس مورتن ص ۲۱۸ و جشن نامه ابن سینا ص ۵۹
 و مقدمه پیروزی نامه ص ۹ و ۱۲ و ۳۲-۳۵ و ۳۹ و ۴۲ و ۴۵-۴۶ دیده میشود .
 لکن در مقدمه هیچیک از نسخه های متعدد ظفر نامه که بنظر نگارنده رسیده
 مطالبی مربوط باینکه ظفر نامه از زبان پهلوی در زمان نوح بن منصور سامانی
 ترجمه شده مذکور نیست و این خبر را اول بار حاجی خلیفه (۱۰۱۷-۱۰۶۷)
 (در کشف الظنون آورده است .

۱- « ظفر نامه - اسم (کذا) پرسشهای انوشروان (شاه مشهور ایرانیان)
 و پاسخهای بزرگمهر بزبان پهلوی که انوشروان آنرا تدوین کرد (کذا)
 سپس نوح بن منصور سامانی وزیر خویش ابن سینارا (کذا) بگردانیدن آن بزبان
 فارسی فرمان داد پس ابن سینا آنرا بگردانید »

سرگذشت^(۱) یکسال بیشتر (سال ۳۸۷ که سال مرگ نوح است) در دربار امیر نوح بن منصور نبوده است.

شیخ رئیس زبان پهلوی نمیدانست و در رساله سرگذشت که حاوی قسمتی از گفته های خود اوست و در تألیفات او هیچ قرینه و شاهی باشنائی او باین زبان موجود نیست.

ابن سینا تا آنجا که اطلاع داریم بکار ترجمه نمی پرداخته است و از او کتابی که مستقیماً و مستقلاً از زبان دیگر به عربی یا فارسی در آمده باشد سراغ نداریم و در هیچ جائیز اشارتی نیست که او تألیفی از دیگران را بفارسی گردانیده باشد.

اسم ظفر نامه در جزو کتابهای او که خود نام برده یا شاگردش ابو عبید جوزجانی فهرست کرده یا متقدمان ثبت آورده اند دیده نمی شود. سبک تعبیر و اسلوب انشاء ظفر نامه با آنچه در این باب در تألیفات فارسی شیخ رئیس دیده میشود اختلاف دارد.

ابن سینا گاه به ملاحظات مختلف در نوشته های خود سخنان نصیحت آمیز و کلمات حکمت آموز آورده^(۲) یا دیگران از گفته ها و مذهب

۱- رش: رساله سرگذشت چاپ نگارنده ص ۱۲ و ترجمه فارسی آن ص ۵۵.

۲- مانند آنچه در نامه های شیخ (مثلاً پاسخ او به شیخ ابوسعید ابوالخیر

که در برخی نسخه ها وصیه ضبط شده، رش: طبقات الاطباء ج ۲ ص ۱۹ و بروکلن

ذیل تاریخ ادبیات عرب ج ۱ ص ۸۲۸ و ۹۵ و در خطبه ها و عهد وی که ظاهراً

انتساب بعضی آنها از همان زمان حیات شیخ بوی معمول شده بود (رش: ابن ابی

اصیبه طبقات الاطباء ج ۲ ص ۱۹ و آخر و فهرست نسخه های مصنفات ابن سینا

تألیف دکتر بهیج مهدوی ص ۱۸۲-۱۸۳ و ۲۶۵ و ص ۹۸-۱۰۰ و ص ۳۱۶)

شیخ رئیس را در مواظط و نصایح و کلمات حکمت آمیز صاحب تألیفات ذیل شمرده اند:

۱- خطبة الشيخ (= الخطبة الغراء) که نصایح دینی است، رش: فوق

۲۲۰ (طبع Golius و طبع نفیسی در مجله شرق ...) بقیه در ذیل صفحه بعد

فلسفی او جوامع و استخراجاتی از این نوع کرده‌اند^(۱) ولی او تا آنجا که اطلاع داریم بجمع اندرز و تدوین پندنامه نپرداخته و باین نوع تألیفات چندان عنایت نداشته است. نتیجه آنکه ظفر نامه را نمی‌توان ترجمه یا اثری از شیخ رئیس ابوعلی سینا دانست و روایت منقول در حاجی خلیفه و رأی کسانی که آنرا مقبول شمرده‌اند^(۲) صحیح نمی‌نماید و ممکن است که سخنان اندرز گونه ظفر نامه را که منسوب به بزرگمهر حکیم بوده اگر واقعاً بزبان پهلوی وجود یافته بود شخصی بنام ابوعلی

← ۲ - المهد، رش : رساله سرگذشت چاپ نگارنده ص ۲۵ و ۶۰ و دکتر مهدوی، جای مذکور؛ فهرست فنواتی شماره ۲۳۲؛ نسخه چاپی در حاشیه شرح هدایة الاثیریة ص ۳۳۶ و ما بعد و تسع رسائل چاپ استانبول و مجموعه الرسائل طبع قاهره ۱۳۲۸ ص ۲۰۳ - ۲۱۰).

۳ - رساله فی کلمات الصوفیة (که به سهروردی مقبول نیز منسوبست)، رش: دکتر مهدوی، جای مذکور ص ۲۹۱؛ فوق ش ۲۳۶؛ بروکلن ۱۲.

۴ - المواعظ، رش: دکتر مهدوی، جای مذکور ص ۲۰۰؛ فوق ش ۲۴۰ و ۲۴۳؛ ارکین ۱۹۲ و ۲۰۱؛ بروکلن III ۶۸.

۵ - نصاب الحکماء للاسکندر، رش: دکتر مهدوی، جای مذکور ص ۲۴۱؛ فوق شماره ۲۵۵؛ ارکین ۲۰۰؛ بروکلن II ۹۵ (نسخه نور عثمانیه بنشان ۴۸۹۴، ۳۷ سطر ورقه ۲۵۲).

۱ - دو چشم سر ز نور عقل گردد روشن در رهبر - چنین گفتست در اسرار
خواجه بوعلی سینا. دیوان سنائی ص ۵۳۵. «دنباله آن عمل نیک آنست که مبنی
بر نیت خیر و خالص باشد و نیت خالص از پیشگاه علم صادر میشود. حکمت سرچشمه
تمام فضائل است» نقل از مکتوب و نصایح (= وصیة) شیخ الرئیس بشیخ ابوسعید
ابوالخیر بنقل آقای دبستانی مجله آینه سال اول ص ۴۳۸ و در بعض کتب اخلاقی
همچون اخلاق ناصری و اخلاق جلالی نیز این کار صورت گرفته است.

۲ - رش : سالنامه پارس سال ۱۳۱۱ ص ۳۷

ترجمه کرده و بعد دیگران تصور کرده باشند که مترجم ابوعلی سینا بوده است^(۱) و نیز ممکن است^(۲) که روایت اصلی ظفر نامه بر روزگار امیر ابو صالح منصور بن نوح (۳۵۵-۳۶۶ هـ) (در کشف الظنون در این مورد نام پسرش آمده) و بفرمان او، بهمت دستورش ابوعلی محمد بن محمد بن عبدالله تمیمی بلعمی معروف به امیرك (م. ظ ۳۸۶ هـ) بفارسی ترجمه شده باشد و بعد دیگران از عنوان دستور و کنیه ابوعلی تصور کرده باشند که مقصود ابوعلی سیناست و او را وزیر امیر سامانی و مترجم کتاب منظور نوشته باشند.

ایران شناس معروف استاد ارتور کریستن سن دانمارکی در کتاب داستان بزرگمهر حکیم^(۳) گوید: (۴) «راجع بکلمات بزرگمهر چندین مجموعه در زبان فارسی موجود است. حاج خلیفه بکتابی اشاره میکند^(۵) که شامل سؤالات انوشیروان و جوابهای بزرگمهر است که با امیر سامانی نوح بن منصور (۹۹۷-۹۹۶ میلادی برابر ۳۸۶ تا ۳۸۷ هجری) بوسیله وزیر او ابن سینا با اسم ظفر نامه از پهلوی بفارسی ترجمه شده است. يك كتاب ظفر نامه یافت میشود که شامل کلمات

۱ - چنانکه برخی از مؤلفان رساله دفع خوف از مرگ را که از ابوعلی مسکویه است با ابوعلی سینا نسبت داده اند. ناگفته نماند که ابوعلی مسکویه بنوع ادبی اندرز توجه داشته و مقداری از آنها از جمله آداب بزرگمهر را در جاویدان خرد آورده است.

۲ - هر چند مستبعد می نماید و سبب انشاء ظفر نامه نیز در مقایسه با تاریخ نامه بلعمی این امر را تأیید نمی کند.

۳ - ترجمه عبدالحسین میکند. مجله مهر سال اول ش ۶ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲.

۴ - جای مذکور ش ۷ ص ۵۳۵ - ۵۳۶.

۵ - چاپ فلوکل مجلد چهارم صفحه ۱۷۵ نمره ۱۵۰۸.

بزرگمهر است و ش . شفر (۱) آنرا در مجلد اول کتاب خود موسوم به «قطعات منتخبه فارسی» (۲) طبع کرده و تصور نموده است این همان کتابی است که حاج خلیفه (۳) بآن اشارت نموده است .

«این تصور به گمان من باین دلیل قابل تردید است که ظفر نامه که شفر طبع نموده کتاب حکم و مواعظ است که چنانکه از مقدمه آن مستفاد میشود بزرگمهر بر فرمان خسرو انوشیروان تدوین نموده که پس از پسندیدن فرمان داده است آنرا بزرگ نویند .

«این کتاب ترجمه پندنامک پهلوی نیست بلکه کتابی است اصلاح شده که از مأخذ اصلی چنان دور افتاده است که بزحمت چهار پنج سؤال و جواب آن بایکدیگر تطبیق میکند .

«بجای گفت و شنود و مکالمات بهم پیوسته ولی قدری مشوش که در پندنامک یافت میشود ظفر نامه شامل یک سلسله سؤال و جوابهای مجزائی است که دارای هیچ رابطه منطقی نمیباشند . علاوه بر این چنانکه قبلاً دیدیم فردوسی در کتاب شاهنامه قسمتی از پندنامک را نقل نموده که هر چند قطعاً اصلاحاتی در آن شده معیناً با اینکه بزبان شعر است نکات مهم مأخذ اصلی را حتی در ترتیب مواد کاملاً رعایت نموده است بطور قطع میتوان دانست که مأخذ فردوسی ترجمه عربی پندنامک نبوده و ترجمه فارسی متن پهلوی پندنامک مأخذ مستقیم او بوده است زیرا فردوسی

۱ - Ch. Chefer

۲ - Chrestomatie Persane

۳ - شفر (مقدمه صفحه ۳ و مابعد) تصور می کند که مترجم همان فیلسوف معروف ابن سینا (اویسن) یا پدر او که در دربار سامانیان خازن بوده است می باشد .

مقداری زیاد لغت و جمله استعمال نموده که از لغات و جمل پندنامک پهلوی است که بصورت کلمات فارسی در آمده اند. در کتاب فردوسی و در کتابی که حاج خلیفه بدان اشاره میکند گفتگو از سؤالاتی است که انوشیروان میکند و جواب هائی که بزرجمهر میدهد ولی در ظفر نامه که شفرانتشار داده است، برخلاف آن دو بزرجمهر شاگردی است که از استاد و مربی خود که نامی از آن میبرد استفادت می کرده و او جواب می گفته است.

«بنابر این باید باور نمود که فردوسی که شاهکار خود را (تقریباً بین سنه ۹۹۵ و ۹۹۹ میلادی)^(۱) بر ابر ۳۸۵ تا ۳۸۹ هجری) در مملکتی که در تسلط سامانیان بوده فراهم می آورده است، برای تهیه این فصل منبعش ترجمه فارسی ای بوده است که در آن زمان بامر امیر سامانی بوسیله ابن سینا (قطع نظر از آنکه دارنده این اسم بزرگ را بشناسیم) ترجمه شده است.

«با این مقدمه ظفر نامه که شفر طبع نموده نباید از ابن سینا باشد و باید عبارت از افکار تازه باشد که با خاطرات مبهمی از نسخه اصلی باقی مانده بوده تلفیق داده باشند.»

و استاد در جای دیگر آرد^(۲): «مجموعه کلمات بزرجمهر که در تاریخ گزیده حمدالله مستوفی^(۳) موجود است جز نقل ظفر نامه غیر اصلی با تغییرات و تصرفات چیزی نیست.»

۱ - نولدکه حماسه ملی ایران، چاپ دوم صفحه ۲۶.

۲ - جای مذکور ش ۷ ص ۶۸۹.

۳ - چاپ برون (ادقاف کتب سری ۱۴ - اول) صفحه ۷۳.